

دکتر محمدعلی سلطانی

دانشگاه اصفهان

شماره مقاله: ۳۴۶

اثرات جمعیت بر ناهنجاریهای اجتماعی

Mohammad Ali Soltani

University of Esfahan

The Effects of Population Growth on Social Pathology

The irregular increasing of population has brought many difficulties for human communities some of them are; Global warming, Destruction of the Ozon layer, Acid rains, shortage of water and

Moreover, population high density has become the cause of the social pathology imbalance between facilities and population needs, low literacy and unemployment and soon.

The later case itself disturbs the ecological balance and destroys the environment severely more than before. For over coming to such prosses it is necessary to make decision for population control.

The author has suggested some approaches for economic, social and political problems.

مقدمه

گرم شدن کره زمین، شکاف در لایه اوزن، نزول بارانهای اسیدی، کاهش حاصلخیزی خاک، کمبود آب در نتیجه دگرگونیهای اقتصادی، اجتماعی وابسته به میزان جمعیت است. این عوامل مخاطراتی برای ادامه حیات و تمدن بشری فراهم آورده است. گرم شدن زمین باعث کاهش و از بین رفتن محصولات کشاورزی و در نتیجه مرگ بیش از یک میلیارد نفر در چند دهه آینده خواهد شد. البته افزایش جمعیت تنها عامل بحرانهای محیط نبوده بلکه مصرف فزاینده در بین طبقات ثروتمند و وابستگی رو به افزایش تکنولوژی ناسالم از نظر محیط زیست نیز در این امر نقش دارند. غریزه میل به تولید مثل، افزایش جمعیت را با روندی شتابان سبب گردیده است که علاوه بر

مسائل فوق مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز به دنبال دارد. در بین مسائل یاد شده موضوع جدی تأثیر کثرت جمعیت بر مسائل اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد.

جلوگیری از افزایش جمعیت برای پیشگیری از پیامدهای مخاطره‌آمیز آن پس از اجتناب از جنگ هسته‌ای باید در اولویت قرار گیرد. بطور کلی باید مسائلی که مستقیم و غیرمستقیم با موضوع جمعیت ارتباط دارند عمیقاً مورد بحث و بررسی قرار گیرد. مثلاً یکی از مسائل محیطی که ارتباط مستقیم کمی با جمعیت دارد، کاسته شدن از قشر لایه محافظ اوزون می‌باشد. این لایه کلیه موجودات را در برابر اشعه ماورای بنفش - بی (UV-B) محافظت می‌نماید. بدون لایه اوزون زندگی بر روی زمین امری غیرممکن است. در برابر هر ۵٪ کاهش ضخامت لایه مزبور ۱۰٪ به اشعه ماورای بنفش - بی افزوده می‌شود. این افزایش اشعه باعث افزایش مبتلایان به سرطان پوست می‌شود. علاوه بر سرطان پوست این اشعه آب مروارید را افزایش می‌دهد، بر روی ماده وراثتی (DNA) اثر می‌گذارد، به سیستم مصونیت بدن انسان زیان می‌رساند و مانع عمل فتوسنتز می‌شود. اشعه ماورای بنفش بی علفهای دریایی، بخصوص آنها را که در سطح آب قرار دارند، کاهش داده و آثار زیانباری بر ماهیگیری خواهد داشت. بطور کلی نازکتر شدن لایه اوزون ادامه حیات در سطح خشکیهای کره زمین را مشکلتر می‌نماید. موضوع دیگر مربوط به افزایش جمعیت و رابطه آن با ناهنجاریهای اجتماعی است که موضوع این مقاله را تشکیل می‌دهد.

جمعیت و ناهنجاریهای اجتماعی

واقعیت افزایش سریع جمعیت در کشورهای جهان سوم، پایین بودن سطح زندگی، بالا بودن بیسوادی و بطور کلی فقر است. قسمت اعظم افزایش جمعیت جهان (حدود ۹۰٪) متعلق به کشورهای در حال توسعه است که این عامل باعث افزایش فقر در این گروه از کشورهاست. طبق آمار سازمان کشاورزی و خوار و بار جهانی (FAO) بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در کشورهای در حال توسعه از سوء تغذیه رنج می‌برند. بطور کلی فقر، سوء تغذیه، عدم بهداشت، اعتیاد، قاچاق، سرقت، قتل و تجاوز دامنگیر بسیاری از مردم جهان کنونی است.

پیامدهای ناگوار افزایش بی‌رویه جمعیت در تمامی وجوه زندگی بشر رخنه کرده و کم و کیف جرایم و تشنجات «پرجمعیتی» در مراکز شهری جهان افزایش یافته است و در نتیجه به همان نسبت افزایش جمعیت مسائل اجتماعی ناشی از آن نیز گسترش می‌یابد.

قبل از بررسی رابطه جمعیت و ناهنجاریهای اجتماعی ارائه و یادآوری تعریف چند مفهوم ضروری به نظر می‌رسد:

هنجار: هر حالت، رفتار یا ویژگی که به نحوی در یک جامعه عمومیت یابد هنجار یا بهنجار

خوانده می‌شود. بنابراین ممکن است جنایت یا قتل که امری غیرعادی تلقی می‌شود تا حدودی در جامعه‌های عادی قلمداد گردد ولی اگر از این حد فراتر رود ناهنجاری یا نابهنجار خوانده شود.

جرم: هرگونه رفتار خلاف اجتماعی و غیرقانونی که ارتکاب به آن مجازات و جریمه معینی داشته باشد، جرم نامیده می‌شود. بنابراین جرم عملی است غیرقانونی و بنابر ضوابط خاص هر جامعه ممنوع شده و ارتکاب آن مجازات دارد. در ایجاد ناهنجاریها و جرایم اجتماعی عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، شهرنشینی، بیماری و ... دخالت دارند. ارتباط هر یک از این عوامل با افزایش بی‌رویه جمعیت به مطالعه عمیقتری نیاز دارد.

اثر جمعیت و فقر در ناهنجاری

فقر یک پدیده اقتصادی است که تا حدودی در تمام جوامع طبقاتی وجود دارد. فقر عزت نفس را در آدمی می‌کشد ولی حدود آن در جوامع مختلف متفاوت است.

پیغمبر اسلام (ص) می‌فرماید: فقر می‌تواند به کفر بینجامد و علی (ع) می‌فرماید: فقر آدم را گنگ می‌کند و فرد را در وطنش غریب می‌گرداند.

اندازه و وسعت فقر تابع دو عامل است:

۱- سطح متوسط درآمد

۲- درجه نابرابری در امر توزیع درآمد

به عبارت دیگر هر قدر توزیع درآمد غیر عادلانه تر باشد، میزان فقر بیشتر است. یک سطح حداقل درآمد به منظور ادامه حیات و تأمین نیازهای اساسی چون غذا، پوشاک و مسکن ضروری است. این سطح حداقل از کشوری به کشور دیگر یا از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت و در حقیقت انعکاس تفاوت نیازهای روانی، اجتماعی و اقتصادی آنهاست.

مجازات فقیر بودن سنگین است و شخص فقیر در مقایسه با افراد دیگر جامعه معمولاً عمر کوتاهتری دارد و در اثر کمبود نیازهای اساسی و اولیه با بحرانهای بیشتری رو بروست. سطح سواد در جمعیت فقیر معمولاً پایین بوده و از نظر فرهنگی نیز ضعیف می‌باشند. فضای واحدهای مسکونی آنها کوچک و از نظر بهداشتی ناسالم است. فرزندان این خانواده‌ها تحت کنترل دقیق نبوده و چنانچه تحت کنترل باشند، خانواده صلاحیت لازم برای تربیت آنها را ندارد.

افزایش جمعیت و رابطه آن با فقر در کشورهای در حال توسعه مسأله‌ای مهم است. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۰ میلادی تعداد فقرا به بیش از ۱/۵ میلیارد نفر برسد. برای فقرزدایی در جهان نیاز به همکاریهای بین‌المللی و اتخاذ یک سیاست و استراتژی مؤثر و فراگیر می‌باشد که حفظ منابع، نحوه

تولید و کنترل رشد جمعیت را شامل گردد.

فقر مبنا و اساس انحرافات اجتماعی است و بیشترین جرایم، جنایات و خودکشیها ریشه در فقر دارد. رابطه بین حجم جمعیت و فقر را می توان در حجم فقر معیشتی در تهران (بیشترین میزان در کشور) و پس از آن در شهرهای بزرگ و کوچک و سرانجام در روستاها جستجو کرد. افزایش و تراکم جمعیت شهری و مآلاً صنعتی شدن به افزایش جرم و جنایات کمک کرده است. زیرا هر شهر معمولاً ظرفیت معینی دارد که براساس آن نیازمندیهای شهر تعیین گردیده است. مسلم است با افزایش جمعیت، تسلط تشکیلات و سازمانهای دولتی و نیروهای انتظامی کاهش یافته و یا از بین می رود و کنترل اجتماعی تضعیف شده و در نتیجه بی نظمی اجتماعی، قانون شکنی و بی احترامی به موازین و ضوابط جامعه افزایش می یابد.

ابن خلدون معتقد است جوامع شهری بیش از جوامع روستایی در معرض فساد و تباهی هستند، زیرا در مناطق شهری مردم در بیگانگی با یکدیگر زندگی می کنند، در حالی که روستاییان کاملاً یکدیگر را می شناسند. دورکیم نیز عقیده دارد بین افزایش جرایم و افزایش جمعیت رابطه مستقیمی وجود دارد. البته شهرنشینی مستقیماً به کجروی نمی انجامد بلکه زندگی شهری می تواند زمینه ساز عوامل کجروی باشد. در شهرها اختلاف طبقاتی، گروههای مختلف شغلی، سنی، نژادی، سوابق اخلاقی، منافع مختلف و عدم تجانس دیده می شود، که باعث ستیز با هنجارهای اجتماعی می گردد و افراد را از بسیاری از قید و بندها می رهااند. در اثر افزایش جمعیت در شهرها افراد برای به دست آوردن پایگاه اجتماعی بالاتر به رقابت می پردازند و چون درآمد مشروع برای تأمین زندگی کافی نیست، به کجروی گرایش پیدا می کنند. معمولاً انحرافات اجتماعی در محله های پرجمعیت شهرها به دلیل کمبود امکانات اجتماعی و اقتصادی بیشتر است. برای مثال در محلات پرجمعیت فقیرنشین و مراکز شهرهای ایالات متحده که محل تجمع افراد کم درآمد می باشد، میزان جرایم بسیار بالاست. کارکنان مؤسسات و شرکتهای (اغلب سیاه پوستان) پس از پایان زمان کار روزانه برای سپری کردن شب به این محلات می آیند.

در شهرهای پرجمعیت معمولاً حاشیه نشینی متداول گردیده و به دنبال آن میزان جرایم بالا می رود. این مناطق که یک عارضه شهری محسوب می شوند، محل بزهکاری و جرایم است. تنوع زندگی شهری، گرانی و سنگینی بار زندگی، بخصوص مسأله مسکن در شهرهای بزرگ باعث گردیده که مهاجران تازه وارد که فاقد درآمد کافی هستند، اغلب دست به هر کاری بزنند که این خود باعث افزایش میزان جرایم می گردد.

اثر افزایش جمعیت و بیکاری در ناهنجاری

امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه (و گاهی توسعه یافته) از بیکاری و کم‌کاری فزاینده رنج می‌برند. نرخ بالای بیکاری یکی از علایم فزونی جمعیت و توسعه نیافتگی است. بیکاری از رشد سریع عرضه نیروی کار، در اثر رشد سریع جمعیت و میزان بالای مهاجرت روستا به شهر و رشد کند تقاضای بازار کار ناشی می‌شود. در کشورهای توسعه نیافته برخلاف کشورهای صنعتی میزان بیکاری شهری از روستایی بالاتر است. در کشورهای در حال توسعه، تعداد مشاغل در بخش نوین جوا بگویی اشتغال کامل برای نیروی انسانی موجود نیست و یکی از اهداف توسعه، کاهش اختلاف بین امکانات اشتغال و عرضه نیروی انسانی است. عدم هماهنگی بین تقاضای بازار کار و فارغ‌التحصیلان مراکز آموزشی یکی از مسائل عمده و مشکلات بزرگ کشورهای در حال توسعه است. بدیهی است بیکاری و نداشتن کار ثابت می‌تواند جرم‌زا باشد. پدیده فقر در کشورهای در حال توسعه آسیا، آفریقا و امریکای لاتین موجب هجوم روستاییان به شهرها شده است. اینان در شهرها با بیکاری مواجه می‌شوند و اجباراً به کارهای غیرقانونی و سیاه‌کاری مثل خرید و فروش مواد مخدر، دلالی، واسطه‌گری و ... می‌پردازند. از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی نوع شغل، محیط کار، کسادی، بیکاری، عدم امنیت شغلی، عدم رضایت شغلی، عدم امکان پیشرفت و بیکاری پنهان می‌توانند از عوامل انحراف باشند.

عوامل موثر در ایجاد انحراف

عوامل موثر در ایجاد انحرافات اجتماعی را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱- عوامل زیستی و ارثی: مانند نقایص جسمی و روانی

۲- عوامل اجتماعی: عوامل اجتماعی خود به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف) خانواده: نخستین محیط پرورش کودک خانواده است. بروز طلاق، فوت، غیبت طولانی پدر یا مادر، نوع کار والدین، عدم رسیدگی به فرزندان، نارساییهای اقتصادی در تأمین نیازهای تحصیلی، تغذیه و بهداشت فرزندان می‌تواند از عوامل مهم جرم باشد.

ب) محیط مدرسه: عدم تجانس دانش‌آموزان از نظر میزان برخورداری از امکانات اقتصادی و اجتماعی می‌تواند جرم‌زا باشد.

پ) طبقه اجتماعی: در طبقه متوسط جوامع میزان ارتکاب جرم پایینتر و در طبقات فقیر و غنی بالاتر است. بدیهی است نوع جرایم، آشکار یا پنهان ماندن آن در طبقات فقیر و غنی متفاوت است.

ت) نژاد: برخلاف نظریه برخی از جامعه‌شناسان غربی ارتکاب جرم با نژاد پیوندی ندارد.

ث) وضعیت تاهل: آمار نشان می‌دهد که انحرافات در بین افراد مجرد بیش از متأهلان است و

شاید این بدان علت است که افراد متاهل مسؤولیت زندگی خانوادگی را پذیرفته‌اند.

۳- رابطه جمعیت با جرایم: بطوری که در بالا اشاره شد، افزایش بی‌رویه جمعیت باعث افزایش فقر و محرومیت شده و به دنبال آن ارتکاب جرایم افزایش می‌یابد. مهاجرت نیز مشکلات بسیاری در زمینه آسیبهای اجتماعی پدید می‌آورد. مهاجران معمولاً ارزشها و باورهای جامعه میزبان را قبول ندارند و به دلیل بیگانه بودن راحت‌تر دست به ارتکاب جرم می‌زنند.

۴- محل سکونت و رابطه آن با جرایم: گفته شد که معیشت و شرایط زندگی شهری و روستایی کاملاً با یکدیگر متفاوت است. در شهرها فردگرایی، تجمل‌پرستی، فشار اجتماعی، اختلاف طبقاتی، بیگانگی و از هم پاشیدگی روابط از جمله عوامل انحرافات هستند. برعکس در روستاها به دلیل آن که کنترل اجتماعی بیشتر است، معمولاً افراد مجرم جایی برای ماندن در روستا ندارند. از قدیم جرایم، بی‌نظمی و بی‌بندوباری شهرنشینان و پای‌بندی روستاییان به ارزشها بیشتر بوده است. بسیاری از ناهنجاریهای اجتماعی و کجرویها، ناشی از تحرک و تحولات سریع اجتماعی است. افرادی که در جوامع بسته زندگی می‌کنند برای دست‌یابی به امکانات بیشتر به اعمال زشت و ناروا دست می‌زنند.

۵- عوامل اقتصادی: شناسایی عوامل اقتصادی در رابطه با ناهنجاریهای اجتماعی اهمیت بسیار دارد، زیرا بسیاری از انحرافات ریشه اقتصادی دارد. توزیع ناعادلانه ثروت، انحصار اقتصادی، ضعف فرهنگی، اقتصاد ناسالم، فقر و ناتوانی مالی از این عوامل به شمار می‌آیند.

۶- رابطه سن و جنس با انحرافات: میزان انحراف در زنان کمتر از مردان و نوع جرایم نیز متفاوت است. معمولاً قتل، ضرب و جرح، اعتیاد، سرقتهای بزرگ برای مردان و دزدی، بزهکاری برای زنان بیشتر است. از نظر سنی معمولاً میزان جرایم کودکان زیر ۱۲ سال بسیار ناچیز است. نوجوانان معمولاً به فرمان، حمایت و راهنمایی بزرگترها به ارتکاب جرم می‌پردازند. سن بحرانی ارتکاب جرم در نوجوانان سن ۱۴-۱۶ سالگی است. جوانی دوره بحران، شورش و قیام مکرر است. برداشتها و ارزشهای گذشته دگرگون می‌شود. معیارهای موردقبول جوانان با معیارهای خانه و مدرسه هماهنگی ندارد و این یکی از عوامل ستیزه‌جویی و انحراف است. بدین جهت در کشورهایی که میزان مولید بالا بوده و گرایش به جوانی جمعیت دارند، مراقبت از این گروه سنی بسیار حائز اهمیت است. در بین گروه سنی بزرگسالان بیشترین انحرافات در سنین ۳۰-۴۰ سالگی بوده و پس از آن کاهش می‌یابد.

اثرات ناهنجاریهای اجتماعی

ناهنجاریهای اجتماعی اثرات مختلفی به شرح زیر دارد:

۱- اثر فردی و شخصیتی: اعمال خلاف و انحراف در فرد عامل تزلزل شخصیت است. این خود

موجب می‌شود فرد منحرف از جامعه طرد و به انزوا کشیده شود.

۲- اثرات اجتماعی: انحرافات موجب تنزل ارزش افراد می‌گردد، انواع بیماریها و نارساییها را به وجود می‌آورد و با متزلزل شدن خانواده جامعه نیز فرو می‌پاشد.

۳- اثرات اقتصادی: انحرافات اجتماعی سبب به خطر افتادن امنیت اقتصادی می‌شود. میزان کار و فعالیت تنزل می‌کند، عدالت و انصاف در جامعه خدشه‌دار می‌شود، قسمتی از سرمایه و درآمد تلف می‌گردد و ارکان اقتصادی جامعه فرو می‌ریزد.

۴- اثرات فرهنگی: ناهنجاریهای اجتماعی سبب می‌شود که ارزشهای اخلاقی، معنوی و مذهبی به خطر افتد و نسبت به آنها بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به وجود آید و دگرگونیهای زیادی در جامعه پدیدار شود.

۵- اثرات سیاسی: ناهنجاریهای اجتماعی سبب به هم خوردن اوضاع و بی‌نظمیهای سیاسی می‌گردد. انحرافات در مؤسسات و ادارات اثر گذاشته، حیثیت آنها را خدشه‌دار می‌کند و اعتماد مردم به دستگاهها سست می‌شود.

جمعیت و ناهنجاری در ایران

افزایش جمعیت در ایران نه تنها در افزایش میزان بیکاری اثر گذاشته، بلکه تقاضای کار در شرایط رکود اقتصادی اثر منفی بر بهره‌وری نیروی کار داشته است، بطوری که در دهه ۶۵-۵۵ بهره‌وری نیروی کار بطور متوسط ۳/۳ کاهش داشته است. رشد خدمات واسطه‌ای و غیر تولیدی و نیز افزایش اشتغال در مشاغل غیررسمی که میزان آن حدود ۴۳٪ اشتغال شهری برآورد گردیده از پیامدهای حضور نیروی انسانی مازاد بر اشتغال کشور بوده است. افزایش بیکاری، نرخ تورم و تقلیل درآمد سرانه با توجه به ادامه رشد جمعیت آینده، توسعه کشور را تحت فشار بیشتری قرار خواهد داد.

قبلاً اشاره شد که بیکاری خود عامل عمده ایجاد نگرانی و نابسامانی روانی می‌باشد. کشمکش در محیط کار موجب ناامنی و محرومیت و در نتیجه انحراف می‌شود. پدیده خودکشی که یکی از عوارض مهم صنعتی عصر کنونی شناخته شده است بیشتر به خاطر ناسازگاری فرد با جامعه خود می‌باشد و هرچه میزان آن بالاتر باشد بیانگر سطح بهداشت روانی پایین است. بیماری افسردگی که ناشی از مسائل اقتصادی - اجتماعی است، علت عمده خودکشیها می‌باشد و همه این گرفتاریها ریشه در افزایش بی‌رویه جمعیت دارد.

مردم در محیط محل سکونت خود نیاز به امنیت دارند و نباید احساس ناامنی کنند. در محیطهای کم‌جمعیت مثل شهرهای کوچک و روستاها سطح آشنایی مردم با یکدیگر بالاست (حتی تا چند نسل گذشته یکدیگر را می‌شناسند) و خود به خود نوعی نظارت اجتماعی غیررسمی بر ساکنان اعمال

می‌شود که در جلوگیری از ناهنجاریها موثر است. برعکس در شهرهای بزرگ و متوسط پرجمعیت ایران به علت بیگانگی شهروندان با یکدیگر که ناشی از مهاجرت‌های داخلی در اثر پیشرفتهای صنعتی در برخی از نواحی کشور است این نظارت وجود ندارد و ساکنان شهرها سعی در بیگانه ماندن دارند، بطوری که ممکن است سالها در محلی زندگی کنند و هیچ‌گونه روابطی با همسایگان خود برقرار نسازند. در چنین مراکزی کنترل و نظارت بر عهده دستگاههای رسمی است که کارایی آن از نظارت غیررسمی تأثیر کمتری دارد و هر اندازه ابعاد جمعیت شهری وسیعتر باشد، کنترل و نظارت رسمی محدودتر می‌گردد.

وجود حاشیه‌نشینی مثل حلبی آبادها، چادرآبادها، حصیرآبادها و گسترش زاغه‌نشینی از ویژگیهای شهرهای پرجمعیت است. در بعضی از کشورها جمعیت این محله‌ها از سایر محلات شهرها بیشتر است. میزان کنترل و نظارت رسمی در این محلات باز هم کمتر و در نتیجه میزان بزهکاری و انحرافات افزایش می‌یابد.

افزایش جمعیت کشور موجب بالا رفتن میزان جرایم شده است، بدین مفهوم که در سال ۱۳۶۸ در ۱۵۳ شهر ایران ۱۵۵ زندان وجود داشته است. در فاصله سالهای ۵۹-۶۵ تعداد محکومان و متهمان زندانهای عمومی کشور از ۱۵۴۹۲۶ نفر به ۲۹۶۵۶۵ نفر رسیده است؛ یعنی اگر سال ۵۹ را ۱۰۰ فرض کنیم درصد تغییرات آن در سال ۶۵ معادل ۱۹۱/۴ بوده است. افزون بر این مدت محکومیت زندانیان نیز افزایش یافته است، یعنی در فاصله زمانی یاد شده ۱/۱۷ سال افزایش را نشان می‌دهد. از نظر جنسی تعداد زنان زندانی بمراتب از مردان کمتر است بطوری که در سال ۵۸ تعداد زنان زندانی ۲/۷ درصد مردان بوده است. این میزان در سال ۶۶ به ۶/۸ درصد رسیده است که افزایش قابل توجهی را نشان می‌دهد.

پراکندگی جغرافیایی زندانیان

تعداد زندانیان کشور طی سالهای ۶۰-۶۶ سالیانه حدود ۸٪ رشد داشته است. در بین مناطق کشور بیشترین افزایش به استان یزد اختصاص دارد، که در این فاصله تعداد زندانیان بیش از ۵ برابر شده است. استانهای سیستان و بلوچستان، گیلان، خراسان، بوشهر، مازندران و کرمان پس از یزد دارای بیشترین زندانیان می‌باشند. لکن در آذربایجان شرقی تعداد زندانیان نه تنها افزایشی نداشته بلکه حدود ۱۶٪ نیز کاهش داشته است. اگر تعداد زندانیان را بازای هر یکصد هزارتن ملاک عمل قرار دهیم استان سیستان و بلوچستان با ۲۵۳ زندانی در برابر یکصد هزار نفر جمعیت بیشترین زندانی را داشته است. پس از آن استانهای هرمزگان، خراسان، باختران و همدان مرتبه‌های بعدی را در اختیار دارند. در مقابل کمترین میزان به استانهای چهارمحال بختیاری و ایلام تعلق دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت تعداد زندانیان استان سیستان و بلوچستان حدود ۹ برابر چهارمحال بختیاری است.

بر پایه آخرین آمار منتشره در خردادماه ۱۳۷۳ تعداد زندانیان زندانهای عمومی کشور به تفکیک و نوع و درصد جرایم در جدول زیر آمده است:

تعداد زندانیان زندانهای عمومی کشور به تفکیک نوع و درصد جرایم (۱۳۷۳)

نوع جرم	تعداد زندانیان	درصد	نوع جرم	تعداد زندانیان	درصد
قاچاق مواد مخدر	۴۸۷۹۹	۵۰/۸۵	جمل	۲۶۵۰	۲/۷۶
سرقت	۱۰۸۵۹	۱۱/۳۳	سرقت مسلحانه	۱۳۳۵	۱/۳۹
منکرات	۵۱۹۳	۵/۴۵	قتل غیر عمد	۱۰۳۷	۱/۰۸
مالی	۵۱۸۱	۵/۴۸	خلاف رانندگی	۱۳۱۷	۱/۳۷
شرارت	۶۳۴۳	۶/۶	تخریب	۶۲۵	۶/۵
نظامی، انتظامی	۱۳۹۳	۱/۴۵	تصرف	۴۸۲	۰/۵
قتل عمد	۴۱۰۲	۴/۳۲	خانوادگی	۳۷۱	۰/۳۹
قاچاق	۶۲۷۵	۶/۵۳	-	-	-

نکته قابل توجه افزایش بزهکاری در کودکان است که از ۶۱۴ مورد در سال ۶۰ به رقم ۱۱۳۹ مورد در سال ۶۶ رسیده است؛ یعنی ۸۶٪ افزایش داشته است. تعداد اطفال بزهکار در کل کشور بازای هر یکصد هزار نفر جمعیت ۲۷ نفر در سال ۱۳۶۴ بوده است. به ترتیب در استان مرکزی ۶۰، خراسان ۵۲، زنجان ۴۲، گیلان ۳۸ و آذربایجان ۳۶ نفر در برابر یکصد هزار نفر بوده است. کمترین نسبت به استانهای کرمان ۷، لرستان ۸، چهارمحال بختیاری ۱۳ و کهگیلویه و بویراحمد ۱۴ نفر در مقابل یکصد هزار نفر بوده است.

نتیجه گیری

در رابطه با رشد جمعیت و تأثیر آن بر ناهنجاریهای اجتماعی باید گفت که افزایش بی رویه جمعیت مسائل و مشکلات عدیده‌ای را در پی داشته است که انحرافات اجتماعی یکی از پیامدهای آن است. کشور ما از یک طرف با رشد بالای جمعیت و از طرف دیگر با کمبود امکانات از جمله سواد و آموزش و اشتغال رو به روست. این امر سبب شده است هر ساله بر تعداد جرایم افزوده گردد. بنابراین امید است مسؤولان برنامه‌ریزی کشور با اتخاذ تمهیدات لازم رشد جمعیت را کنترل و ناهنجاریهای اجتماعی را به حداقل برسانند.

چند پیشنهاد

اکثر دانشمندان معتقدند که پیشگیری از جرم و خلافکاری نتایج بهتری دارد تا اعمال مجازات و

کیفر. عواملی که در پیشگیری مؤثرند عبارتند از:

- ۱- جنبه‌های اقتصادی: همچون بالا بردن سطح درآمدها از طریق ایجاد اشتغال، تأمین مایحتاج عمومی و کالاهای اساسی با حداقل قیمت، تأمین مسکن و ایجاد شرکتهای تعاونی و امدادی.
- ۲- جنبه‌های اجتماعی: از قبیل گسترش خدمات عمومی، تأمین امکانات بهداشتی درمانی، سواد و آموزش و شرایط سالم گذران اوقات فراغت.
- ۳- جنبه‌های سیاسی: چون آزادیهای عمومی، رعایت قانون.
- ۴- جنبه‌های علمی و فرهنگی: مانند توسعه مراکز و کانونهای علمی و فرهنگی چون فرهنگسراها، کتابخانه‌ها، کلوبها و غیره.

منابع و مأخذ

- ۱- ارلیش، پل، انفجار جمعیت، ترجمه نادر وزین پور، سیما روحانی، انتشارات امین، تهران ۱۳۷۳.
- ۲- امین زاده، فرخ، جمعیت‌شناسی کار، انتشارات دانشگاه ملی، تهران ۱۳۵۸.
- ۳- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه، تهران ۱۳۷۰.
- ۴- حسین زاده دلیر، کریم، «حاشیه‌نشینان در جستجوی معنی و مفهوم»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره خرداد و تیر ۱۳۷۰.
- ۵- خاکپور، محمدمهدی، جرم‌شناسی زنان، انتشارات پیام، تهران ۱۳۵۴.
- ۶- زاهدانی، سیدسعید، حاشیه‌نشینان، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۶۹.
- ۷- ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، تهران ۱۳۷۰.
- ۸- شیخی، محمدتقی، جامعه‌شناسی جمعیت، نشر آرام، ۱۳۶۸.
- ۹- شیخی، محمدتقی، جامعه‌شناسی جهان سوم، انتشارات اشراقی، ۱۳۶۹.
- ۱۰- طهارى، کمال، «فقر و اشتغال در ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰.
- ۱۱- عبدی، عباس، تأثیر زندان بر زندانی (آسیب‌شناسی اجتماعی)، انتشارات نور، تهران ۱۳۷۱.
- ۱۲- عظیمی، حسین، «رشد و توسعه اقتصادی و تأثیر آن بر فقرزدایی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره مرداد و شهریور ۱۳۶۹.
- ۱۳- فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات بدر.
- ۱۴- قائمی، علی، علل ریشه‌های انحرافات اجتماعی.
- ۱۵- قائمی، علی، آسیبها و عوارض اجتماعی، انتشارات امیری، تهران ۱۳۶۶.